

دکتر کیهان مهام

رئیس هیئت مدیره

موسسه حسابرسی

فریوران راهبرد



حرفه حسابرسی نیازمند وجود

یک نهاد ناظر "مستقل" و "حرفه‌ای"

حسابرس

با سلام. گفتگوی این مجال درباره نهاد ناظر و ضرورت تشکیل آن است. موضوعی بسیار چالشی و دارای اهمیت برای حرفه. داریم دست به دست هم می‌دهیم تا زوایای موضوعی را کاوش کنیم که اعتقاد بر این است از یک سو مشکل بزرگی از ذینفعان حل می‌کند و از طرفی محیط و فضای کار را برای ارائه‌دهنده خدمات اطمینان‌بخش، یعنی حسابرس، شفاف و برابر می‌کند. نسخه‌ای که قرار است تعارض منافع را کاهش دهد و حسابرس و موسسه حسابرسی را پاسخگو. در شروع گفتگو، تعریف علمی پاسخگویی برای خوانندگان برای همراهی هرچه بیشتر آنان مفید خواهد بود.

دکتر مهام

به‌عنوان مقدمه عرض کنم پاسخگویی را می‌توان به‌معنای مسئول بودن در برابر تصمیمات و اعمال تعریف کرد و پاسخگو شخصی است که در مقابل پرسشهای پاسخ‌خواه، تصمیمات و اعمال خود را به‌صورت شفاف توضیح می‌دهد و مسئولیت تصمیمات و اعمال خود را می‌پذیرد.

سپاس

از جایگاه پاسخگویی در کشور چه تصویری دارید؟

دکتر مهام

با این مقدمه، بطور قطع فرهنگ پاسخگویی به‌طور کلی در کشورمان جایگاه مناسبی ندارد و باید به‌طور جد تقویت شود.

سپاس

به تعبیری سوگندمان را باید پایبند باشیم. رشد فرهنگ پاسخگویی آیا زمینه‌ساز بروز مدل‌های نظارتی همچون نهاد ناظر می‌شود یا خیر. نظر شما چیست؟

دکتر مهام

به‌رغم ضعف فرهنگ پاسخگویی در کشور، معتقدم نباید میان ضرورت تشکیل نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای در حسابرسی و میزان بلوغ فرهنگ پاسخگویی در کشور رابطه‌ای یک‌به‌یک برقرار کرد. به‌عبارت دیگر، صرف‌نظر از جایگاه فعلی فرهنگ پاسخگویی، باید ضرورت تشکیل نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای را مورد بحث و بررسی قرار داد. تجربه شخصی اینجانب گویای آن است که در حال حاضر طیف وسیعی از موسسات حسابرسی، بیش از میانگین ظرفیت پاسخگویی در کشور، پاسخگویی عملکرد خود در مقابل دستگاه‌های نظارتی هستند و لویج و طرح‌هایی که در خصوص تقویت نظارت بر حرفه و موسسات حسابرسی در کشور مطرح شده، نشان می‌دهد پاسخ‌خواهی از حساب‌رسان و موسسات حسابرسی با شدت و حدت بیشتری نسبت به پاسخگویی عمومی در جریان است. طور دیگری بگویم؛ اشخاصی که وارد این حرفه شدند یا می‌شوند بدانند میانگین توقع جامعه از عملکرد آن‌ها بیش از میانگین توقع جامعه از سایر مشاغل و حرف می‌باشد. این ویژگی تنها یکی از ویژگی‌های متمایزکننده و منحصر‌به‌فرد حرفه حسابرسی است.

سپاس

نیاز حرفه در حال حاضر چیست؟

دکتر مهام

حرفه حسابرسی نیازمند وجود یک نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای است.

سپاس

نظارت را اکنون چه نهادهایی انجام می‌دهند؟

دکتر مهام

در حال حاضر موسسات حسابرسی با تعدد نهادهای ناظر مواجه هستند که جامعه حسابداران رسمی ایران، سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، مهمترین آنها به‌شمار می‌روند.

سپاس

دلیل این نظارت‌های موازی چیست؟

دکتر مهام

شکل‌گیری نظارت بر حرفه و موسسات حسابرسی در سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، تا حدودی معلول نارسایی‌های نظارت در جامعه حسابداران رسمی ایران بوده است. در واقع، سازوکار نظارتی در جامعه حسابداران رسمی ایران طوری نبوده که به استفاده‌کنندگان اصلی خدمات حرفه‌ای موسسات حسابرسی در این زمینه اطمینان خاطر کافی بدهد.

سپاس

ذینفعانی که به نارسایی در عملکرد نظارتی جامعه حسابداران رسمی ایران معترضند را برای خوانندگان حساب‌رس برشمارید.

دکتر مهام

نارسایی در عملکرد نظارتی جامعه حسابداران رسمی ایران، مسئله‌ای نیست که فقط سایر دستگاه‌ها به آن اعتراض کرده باشند. بسیاری از حساب‌رسان و موسسات حسابرسی به نارسایی‌های نظارتی و تبعیض در نظارت و احکام ناعادلانه و برخورد‌های دوگانه معترض بوده و هستند. افزون بر این، مسئله نفوذ عده‌ای قلیل در ساختار جامعه طی چند سال گذشته همواره مورد اعتراض جدی بسیاری از حساب‌رسان و موسسات حسابرسی بوده است. از سوی دیگر، مسائلی که در ارتباط با حسابرسی شرکت‌های پدیده‌شاندیز، کتورسازی، های‌وب، بانک پارسیان و نظایر آن‌ها مطرح شد، تعبیر به ضعف نظارت

در ساختار جامعه حسابداران رسمی و برخوردارهای تبعیض آمیز و دوگانه شد.

حسابداری

انتقاد مهم به ساختار نظارتی جامعه حسابداران رسمی از نظر شما چیست؟

دکتر مهام

انتقاد مهمی که به ساختار نظارتی جامعه حسابداران رسمی ایران وارد می‌شود، انتخاب اعضای کارگروه‌هایی نظیر کارگروه‌های کنترل کیفیت، آیین‌رفتار حرفه‌ای و... و اعضای هیئت انتظامی بدوی توسط شورای عالی جامعه حسابداران رسمی ایران است، که استقلال کارگروه‌ها و هیئت انتظامی بدوی را زیر سوال برده و این مسئله اعتراض‌های زیادی را در پی داشته است و باعث شده بحث ایجاد نهاد ناظر به صورت جدی مطرح و پیگیری شود. این پیگیری‌ها هم در سطح دولت و هم در سطح مجلس ادامه دارد.

حسابداری

مفهوم نظارت چیست و نهاد ناظر بر حسابرسی و موسسات حسابرسی چه تعریفی دارد؟ ضرورت آن برای محیط کسب‌وکار ایران چیست؟

دکتر مهام

نظارت می‌تواند مفاهیم گوناگونی داشته باشد؛ ولی از نهاد ناظری که بحث آن در کشور مطرح است، انتظار می‌رود پایش و بازرسی موسسات حسابرسی را برعهده بگیرد و در صورت لزوم اقدام‌های انضباطی را علیه حساب‌برسان و موسسات حسابرسی متخلف اعمال کند.

حسابداری

ویژگی‌های مهم این نهاد ناظر چیست؟

دکتر مهام

به اعتقاد اینجانب، ویژگی‌های مهمی که نهاد ناظر بر حرفه حسابرسی باید داشته باشد، مستقل بودن و حرفه‌ای بودن آن است. لذا همه جا وقتی صحبت از نهاد ناظر می‌شود آن را کافی نمی‌دانم و به نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای اشاره می‌کنم. اگر نهاد ناظری که تشکیل می‌شود این دو ویژگی اساسی را نداشته باشد، به اعتقاد اینجانب نبود آن از وجود آن بهتر خواهد بود. بنابراین، در ایجاد نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای باید به واژگان

مستقل و حرفه‌ای بهای زیادی داده شود تا چنین نهادی بتواند رسالت خود را آن‌گونه که هدف آن است، ایفا کند.

حسابداری

ضرورت آن برای محیط کسب‌وکار ایران چیست؟

دکتر مهام

ضرورت تشکیل این نهاد برای ادامه حیات بخش خصوصی حرفه حسابرسی و موسسات حسابرسی محرز است. اعتقاد دارم اگر چنین ساختاری شکل نگیرد باید بسیار بیم آن را داشته باشیم که جامعه حسابداران رسمی ایران به زودی با تصمیم‌های مراجع بالادستی برچیده شود. انحلال جامعه حسابداران رسمی برای مقامات بالادستی و حکومتی کار دشواری نیست و مسبوق به سابقه است. برای این‌که چنین بهانه‌ای از مراجع حکومتی و مسئولان بالادستی گرفته شود، بهترین اقدام را برای تضمین ادامه حیات موسسات حسابرسی، تشکیل نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای می‌دانم. در غیراین صورت، زمینه برای مداخله‌های شدید حاکمیت و حذف بخش خصوصی حسابرسی مهیا است و باید دیر یا زود شاهد آن باشیم.

حسابداری

وجود نهاد ناظر بر حسابرسی و موسسات حسابرسی چه سودمندی برای نظام گزارشگری مالی و حسابرسی دارد؟

دکتر مهام

در پاسخ به پرسش‌های قبلی، تا حدود زیادی به سودمندی تشکیل نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای برای ادامه حیات حرفه حسابرسی در بخش خصوصی اشاره شد. تاکید می‌کنم این نهاد اگر حرفه‌ای و مستقل نباشد فواید احتمالی آن محقق نخواهد شد و حتی می‌تواند مشکل‌آفرین باشد.

در خصوص ارتقای گزارشگری مالی البته باید در نظر داشت تقویت آن نیازمند توجه به زنجیره گزارشگری مالی است که موسسات حسابرسی در انتهای این زنجیره قرار می‌گیرند و به بخش‌های دیگر این زنجیره توجه کافی نشده است. لذا اگرچه تقویت نظارت بر موسسات حسابرسی و حساب‌برسان تا حدودی می‌تواند به ارتقای گزارشگری مالی بیانجامد ولی باید توجه داشت ارتقای گزارشگری مالی تنها معلول تقویت نظارت

خواهد بود. بار دیگر، تاکید می‌کنم فرایند انتصابات مرتبط با مسئولیتهای اجرایی در نهاد ناظر مورد بحث از حساسیت بسیار بالایی برخوردار است و باید به دور از هرگونه ریفیق‌بازی و ... باشد.

سازمان

تعدد نظارت را تا چه حد راه‌گشا یا مانع ارتقای کیفیت نظارت می‌دانید؟ آیا با تمرکز نظارت موافقید؟ با سطح‌بندی نظارت چطور؟

دکتر مهام

برداشت اینجانب از دلایل تعدد نظارت بر حرفه حسابرسی، این است که برخی استفاده‌کنندگان پر قدرت خدمات حسابرسی، نظارت جامعه حسابداران رسمی ایران بر حسابرسان و موسسات حسابرسی را ناکارآمد، ناکافی یا نارسا قلمداد کردند. صرف‌نظر از میزان صحت برداشت استفاده‌کنندگان یادشده، واکنش آنان، اعمال نظارت جداگانه بود که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

بر حرفه حسابرسی نبوده و باید قسمتهای دیگر این زنجیره نظیر تقویت عمومی فرهنگ و نظام پاسخگویی، ارتقای نظام آموزشی، متناسب‌سازی حق الزحمه‌های حسابرسی با مسئولیتهای حسابرسان و موسسات حسابرسی، تقویت و ارتقای کمیته‌های حسابرسی و نظایر آن نیز مورد توجه کافی قرار گیرد.

سازمان

برخی نگرانیها در مورد مزاحم بودن نظارت بر فرایند انجام کار توسط نهاد ناظر وجود دارد. شما در این مورد چه نظری دارید؟ ایرادها را در چه می‌بینید؟

دکتر مهام

نگرانیها به‌طور عمده ناشی از نبود فهم و زبان مشترک است. به‌همین دلیل بود که عرض کردم باید نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای تشکیل شود. اگر نهاد ناظر ایجاد می‌شود، این دو ویژگی را داشته باشد، نگرانی معنایی ندارد. البته باید توجه داشت اشخاصی که مسئولیتهای تعریف شده را در نهاد ناظر برعهده می‌گیرند، در اجرای مناسب نظارت نقش مهمی ایفا خواهند کرد. از سوی دیگر، افرادی که فاقد ویژگیهای لازم باشند می‌توانند چهره نهاد ناظر را مخدوش کنند. لذا بانیان این نهاد باید مراقب باشند چه اشخاصی را در مسئولیتهای اجرایی این نهاد به‌کار می‌گمارند. بنابراین، باید فرایند انتصابات در نهاد ناظر از دقت بسیار بالایی برخوردار باشد. باید شرایط احراز مشاغل و ویژگیهای اخلاقی و حرفه‌ای مورد انتظار مسئولان این نهاد با دقت تعریف شود و فقط اشخاصی که بالاترین امتیازات را با توجه به شرایط تعیین شده و سوابق قبلی فعالیت‌های خود احراز می‌کنند به‌کار گمارده شوند. در عین حال، باید عملکرد نهاد ناظر به‌صورت مستمر پایش و ارزیابی و انحرافهای احتمالی مسئولان آن تصحیح شود. به‌عبارت دیگر تشکیل نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای، هدف غایی نیست، بلکه هدفی که تشکیل این نهاد باید دنبال کند، کارکرد حرفه‌ای، مستقل و غیر تبعیض‌آمیز و ارشادی آن است.

اگر در این امور، دقت کافی صورت گیرد و ریفیق‌بازی و پارتی‌بازی و سیاسی‌کاری و نظایر آن‌ها به این نهاد نفوذ نکند، نباید چندان نگران تشکیل چنین نهادی بود. در غیراین صورت، هرگونه نگرانی قابل توجیه و قابل فهم

طور دیگری بگویم اشخاصی که

وارد این حرفه شدند

یا می‌شوند بدانند

میانگین توقع جامعه از

عملکرد آن‌ها بیش از

میانگین توقع جامعه از

سایر مشاغل و حرف

می‌باشد

دکتر مهام

معضل حق الزحمه پایین یا ناچیز حسابرسی تا حدود زیادی نتیجه عملکرد ضعیف موسسات حسابرسی و نظارت غیر موثر جامعه حسابداران رسمی ایران بوده و همچنان ادامه دارد. اگر ساعت‌های کار واقعی یا ساعت‌های کار شارژ شده در نرخ‌های مصوب ضرب شود، متوجه خواهیم شد دستمزدها حتی در مقایسه با نرخ‌های مصوب چقدر پایین است. در هر صورت، فارغ از مقصران این وضعیت نابه‌سامان، به نظر می‌رسد مدل تعیین حق الزحمه حسابرسی باید به‌کل دگرگون شود. در واقع مدل‌های فعلی که متکی به افزایش نرخ دستمزد ساعتی متناسب با نرخ‌های تورم اعلامی است به‌هیچ‌وجه راه به جایی نخواهد برد و مشکل را حل نخواهد کرد.

یکی از مهمترین رسالت‌های نهاد ناظر ایجاد، همین است که مدلی مناسب برای تعیین حق الزحمه حسابرسی طراحی یا تدوین کند. اگر نهاد ناظر ایجاد از چنین مسئله مهمی غفلت کند، امید زیادی به بهبود عملکرد موسسات حسابرسی نباید داشته باشد و نهاد ناظر ایجاد شده از همین نقطه بزرگترین لطمه‌ها و صدمه‌ها را خواهد خورد.

به عبارت دیگر، اگر نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای بخواهد موقعیتی برای خود دست و پا کند، راهی ندارد جز این که به صورت جدی وارد مقوله مدل سازی برای تعیین حق الزحمه حسابرسی شود. اگر نهاد ناظر ایجاد به این مسئله توجه کافی داشته باشد و راه‌حلی مناسب برای آن پیدا کند هم باعث توسعه پایدار حرفه حسابرسی می‌شود و هم به توفیقات خوبی در عملکرد خود دست می‌یابد.

سازمان

به‌طور نمونه، قدری در خصوص عملکرد نظارتی سازمان بورس و اوراق بهادار به‌عنوان یکی از نهادهای ناظر صحبت کنید.

دکتر مهام

قبل از پاسخ به این پرسش، می‌توان با اشاره به مصادیق و به‌نوعی با شبیه‌سازی به چشم‌انداز دقیق‌تری دست یافت. لذا قصد دارم به عملکرد نظارتی سازمان بورس و اوراق بهادار در این سال‌های فعالیت خود اشاره کنم. اگرچه عملکرد سازمان بورس و اوراق بهادار در نظارت بر موسسات حسابرسی به

یکی از مهمترین

رسالت‌های نهاد ناظر ایجاد

همین است که مدلی مناسب برای

تعیین حق الزحمه حسابرسی

طراحی یا تدوین کند

به‌تدریج جاری و ساری گشت و جامعه حسابداران رسمی ایران و موسسات حسابرسی و حساب‌رسان به‌رغم مخالفت‌های اولیه خود، در عمل با این نظارت‌های به اصطلاح موازی کنار آمدند و به اقدامها و فعالیت‌های نظارتی آن‌ها تن دادند و پاسخگوی پرسشها و ابهامها و خواسته‌ها و الزام‌های آن‌ها شدند.

پاسخ پرسش شما را این‌طور می‌توانم خلاصه کنم که اگرچه موسسات حسابرسی و حساب‌رسان از تمرکز نظارت استقبال می‌کنند ولی تا زمانی که نهاد ناظر متمرکزی که خواسته‌های گوناگون سازمان بورس و اوراق بهادار و بانک مرکزی جمهوری اسلامی را برآورده می‌کند، شکل نگیرد، بعید می‌دانم نظارت‌های چندگانه و متعدد منتفی شود. از این‌رو، اعتقاد دارم حتی با تشکیل نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای، بلافاصله این نظارت‌های به اصطلاح موازی حذف نخواهد شد، مگر با ضرب و زور (الزام قانونی) یا در صورت اثبات جامعیت فعالیت‌های نظارتی نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای، در صورت تشکیل این نهاد به صورت قانونی.

سازمان

از نظر شما آیا با ظهور نهاد ناظر، معضل دستمزدهای پایین حسابرسی که به‌طور حتم کیفیت حسابرسی را تحت تاثیر قرار می‌دهد، حل می‌شود؟

سازمان

آیا ظهور نهاد ناظر می‌تواند اثربخشی در حسابرسی و در نتیجه کیفیت عملکرد موسسات حسابرسی را ارتقا ببخشد؟

دکتر مهام

نهاد ناظر، یک نهاد تخصصی حرفه‌ای و مستقل خواهد بود که وظیفه اصلی آن در اساس محدود به نظارت بر موسسات حسابرسی است و می‌تواند عملکرد به‌مراتب بهتری از سازمان بورس و اوراق بهادار در عرصه نظارت بر موسسات حسابرسی داشته باشد، چراکه سازمان مذکور وظایف بی‌شمار و متعددی دارد و در نتیجه، معتقدم نظارت بر موسسات حسابرسی نباید جزو وظایف این سازمان باشد اگرچه می‌تواند با نهاد ناظر تعامل داشته باشد و حتی نهاد ناظر در بخش شرکت‌های سهامی عام پذیرفته شده در بورس به نوعی زیر نظر سازمان مذکور قرار گیرد.

پاسخ خود را در این قسمت خلاصه می‌کنم. به اعتقاد من، وجود یک نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای، به‌طور قطع به ارتقای کیفیت حسابرسیها و عملکرد موسسات حسابرسی کمک خواهد کرد، اگرچه معتقدم به‌طور طبیعی نباید از این سازمان توقع معجزه داشت. ارتقای عملکرد موسسات حسابرسی با تشکیل نهاد ناظر حاصل نخواهد شد، مگر این‌که یک پروژه پژوهشی وسیع پیرامون دلایل نارسایی عملکرد موسسات حسابرسی تعریف شود. تا آنجا که مطلع هستم مشکلات حرفه حسابرسی و موسسات حسابرسی یکی دوتا نیست و اگر خواهان افزایش کیفیت حسابرسی هستیم، باید به‌صورت مداوم مشکلات حرفه حسابرسی و موسسات حسابرسی را زیر ذره‌بین قرار دهیم و تلاش کنیم موانع و نارساییهای شناسایی شده را با ابزارهای روز دنیا رفع کنیم. در غیراین صورت، ممکن است نهاد ناظر به‌جایی برسد که خود نیاز به یک نهاد ناظر داشته باشد، یعنی شکست بخورد.

سازمان

دیدگاه ارائه‌شده در طرح تشکیل نهاد ناظر آن را چگونه معرفی می‌کند. به‌نظر شما ساختار نهاد ناظر در ایران چگونه باید باشد؟ چه اختیارات و مسئولیتهایی باید داشته باشد؟

اصطلاح معتمد تا حدودی قابل نقد است و مقررات آن در برخی قسمت‌ها یک‌طرفه و غیرقابل دفاع می‌باشد، اما در عین حال باید اذعان کرد که نتایج نظارت سازمان مذکور بر موسسات حسابرسی تا حدودی قابل قبول بوده و سبب دقت و ارتقای عملکرد موسسات حسابرسی معتمد و در نتیجه افزایش کیفیت حسابرسی شده است.

البته طی همین دوران، مشکلات متعددی در گزارشهای حسابرسی صادرشده توسط موسسات حسابرسی معتمد مشاهده شده که گه‌گاه سروصدای زیادی در کشور به پا کرده است و می‌توان گفت بحث تشکیل نهاد ناظر تا حدود زیادی به این مسایل مربوط بوده و متاثر از ایرادهای مطرح شده در خصوص پاره‌ای از گزارشهای حسابرسی شرکت‌های بورسی بوده است. به‌عبارت دیگر، نمی‌توان گفت عملکرد نظارتی سازمان مذکور به‌طور مطلق خوب یا به‌طور مطلق بد بوده است. در مجموع، ارزیابی شخصی اینجانب این است که عملکرد نظارتی سازمان بورس و اوراق بهادار طی این سالها ضروری بوده و از این‌رو مناسب است.

شکل‌گیری نظارت بر

حرفه و موسسات حسابرسی

در سازمان بورس و اوراق بهادار و

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

تا حدودی معلول نارساییهای

نظارت در جامعه

حسابداران رسمی ایران

بوده است

دکتر مهام

به اعتقاد اینجانب، نهاد ناظر نباید یک موسسه دولتی باشد، ولی ملاحظه می‌کنیم که دولت و مجلس مصر هستند که نهاد ناظر باید در قالب یک موسسه دولتی تشکیل شود. با توجه به تجربه‌ها در کشور ما، بهترین حالت برای نهاد ناظر این است که به صورت یک نهاد عمومی غیردولتی مانند سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل شود. اگر نهاد ناظر در قالب یک موسسه دولتی تاسیس شود، بعید به نظر می‌رسد مشکلی از مباحث نظارتی حرفه حسابرسی حل شود. همان‌گونه که پیش از این عرض شد، نهاد ناظر مورد نظر بنده باید مستقل و حرفه‌ای باشد و به طبع اگر به صورت یک موسسه دولتی تاسیس شود، با توجه به عملکرد کلی بخش دولتی کشور، امید زیادی به چابک بودن، جذب اشخاص حرفه‌ای و موثر بودن تصمیم‌های آن وجود نخواهد داشت.

از لحاظ ساختاری، تصور می‌کنم تشکیلاتی مشابه تشکیلات نظارتی فعلی جامعه حسابداران رسمی ایران اگر در نهاد ناظر شکل بگیرد می‌تواند منشا آثار و تحولات خوبی در حرفه ما باشد.

بدین منظور باید کمیته انتصاب نیرومند و دلسوزی که آشنا با ظرفیتهای جامعه حسابداران رسمی ایران باشد شکل بگیرد،

تا همان‌گونه که بارها عرض کردم اشخاص مستقل و حرفه‌ای مسئولیتهای نظارتی و اجرایی و حتی انضباطی و انتظامی را در نهاد ناظر بر عهده بگیرند و عملکرد مسئولان نهاد ناظر مورد پایش قرار گیرد تا از درست بودن مسیرها و اقدامها و وجود چشم‌اندازی روشن کسب اطمینان شود.

اختیارات و مسئولیتهای نهاد ناظر به طبع باید متوازن باشد. به طور قطع مسئولیتهای و اختیارات باید با توجه به اهداف نهاد ناظر تبیین شود، ولی نظارت بر عملکرد حرفه‌ای موسسات حسابرسی و اعمال تنبیه‌های انضباطی به طور طبیعی عمده‌ترین مسئولیتهای و اختیارات نهاد ناظر خواهد بود. با توجه به تنوع مسئولیتهای و اختیارات نهاد ناظر، در حال حاضر به همین حد اکتفا می‌کنم.

سازمان**تامین منابع مالی نهاد ناظر چگونه باید صورت گیرد؟****دکتر مهام**

همان‌گونه که می‌دانید در حال حاضر منابع لازم برای نظارت جامعه حسابداران رسمی ایران بر موسسات حسابرسی توسط اعضا از محل حق عضویت ثابت و متغیر تامین می‌شود. با وجود این، استفاده‌کنندگان اصلی و عمده خدمات حسابرسی نظیر دولت یا حاکمیت به طور عام و دستگاه‌های ذیربط نظیر سازمان بورس و اوراق بهادار، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، وزارت امور اقتصادی و دارایی، شرکتهای تخصصی سرمایه‌گذاری و ... در تامین منابع مذکور نقش یا مسئولیتی ندارند.

به نظر اینجانب در صورت تشکیل نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای به‌جا و مناسب است که تامین منابع مالی مورد نیاز آن توسط دولت از محل بودجه عمومی صورت پذیرد. موسسات حسابرسی به‌قاعده باید به شکل حرفه‌ای ذیربط حق عضویت بپردازند. در صورت تشکیل نهاد ناظر به موازات جامعه حسابداران رسمی ایران، ممکن است هر دو مجموعه از اعضای خود یا اشخاص مورد نظارت مطالبه منابع مالی کنند که احتمال آن بسیار زیاد است. با این حال، معتقدم شأن نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای می‌تواند که در ظاهر و در واقع وابستگی خاصی به اشخاص مورد نظارت نداشته باشد و از منابع عمومی بهره‌مند شود.

بهترین اقدام را برای**تضمین ادامه حیات موسسات حسابرسی****تشکیل نهاد ناظر****مستقل و حرفه‌ای می‌دانم**

تاکید می‌کنم

فرایند انتصابها مرتبط با

مسئولیت‌های اجرایی

در نهاد ناظر مورد بحث از

حساسیت بسیار بالایی برخوردار است

و باید به‌دور از

هرگونه رفیق‌بازی و ... باشد

جلوگیری از انحرافهای احتمالی و سرانجام عملکرد مناسبتر موسسات حسابرسی و توسعه پایدار حرفه حسابرسی داشته باشد که برکات آن نصیب آحاد ملت ایران خواهد شد.

سازش

نکته پایانی اگر دارید بیان کنید.

دکتر مهام

در آخر باید عرض کنم مطالب اینجانب بدون در نظر گرفتن آثار مثبت تصمیمات اخیر شورای عالی هشتم درباره ترکیب اعضای هیئت‌مدیره و آثار آن بر کارگروه‌ها است و بدیهی است در صورت تسری این تصمیمها به کارگروه‌ها، عملکرد نظارتی جامعه می‌تواند ارتقای چشمگیری در این دوره شورای عالی داشته باشد.

سازش

از همراهی شما بار دیگر تشکر می‌کنیم. پاسخهای شما رهنمودهای سودمندی برای شرایط گذار و این تحول ساختاری در نظارت بر حرفه حسابرسی دارد که امیدواریم مورد توجه قرار گیرد.



سازش

آیا نهاد ناظر گزارش نظارتی خود را برای آگاهی موسسات حسابرسی، سرمایه‌گذاران و عموم مردم باید منتشر کند یا باید به مرجع خاص ارائه دهد؟

دکتر مهام

یک نهاد ناظر مستقل و حرفه‌ای باید در همه ابعاد و وجوه خود، شفاف عمل کند و براساس سیاستهای اصولی که خود تعیین می‌کند اقدام نماید و نباید مداخله‌های سیاسی، فعالیت‌های حرفه‌ای آن را تحت الشعاع خود قرار دهد. با توجه به این مقدمه، سیاستهای اطلاع‌رسانی نهاد ناظر ایجاد می‌باید مبتنی بر تصمیم‌های حرفه‌ای و مستقل و به‌دور از مداخله‌های غیرضرور باشد. به‌شخصه اعتقاد دارم شفافیت در اطلاع‌رسانی و پاسخگویی نهاد ناظر به‌ویژه در قبال موسسات حسابرسی فوق‌العاده مهم است و نهاد مذکور باید اطلاع‌رسانی دقیقی در خصوص فعالیت‌های خود به موسسات حسابرسی داشته باشد و اجازه ندهد پنهان‌کاری و ضعف اطلاع‌رسانی، سبب درز اخبار و شایعات شده و در نهایت وجهه نهاد ناظر را تخریب یا مخدوش سازد.

به بیان دیگر، اطلاع‌رسانی نهاد ناظر نباید محدود به دستگاه‌های دولتی ذیربط و ذی‌مدخل محدود شود و لازم است فعالیت‌های آن با جزییات به موسسات حسابرسی گزارش شود. البته در مورد حدود و ثغور اطلاع‌رسانی می‌توان بحث‌های کارشناسی ترتیب داد، اما نباید با سانسور یا پنهان‌کاری و یا مستمسک قرار دادن نگرانی نسبت به پیامدهای شفافیت و اطلاع‌رسانی، زمینه را برای انحراف عملکرد نهاد ناظر فراهم ساخت.

انتظار می‌رود نهاد ناظر به عموم مردم در مورد عملکرد نظارتی خود اطلاع‌رسانی کند تا اعتماد عموم مردم به صحت عملکرد کلی موسسات حسابرسی و در نتیجه شفافیت و کارایی اطلاعاتی بیشتر بازارهای سرمایه و پول و حتی سایر بازارهای عمده و اصلی حوزه اقتصاد جلب شود. البته در این مورد نیز می‌توان با برگزاری جلسه‌های کارشناسی حدود و ثغور اطلاعات قابل‌انتشار را مشخص کرد اما دوباره تاکید می‌کنم که ارائه و افشای اطلاعات صحیح و واقعی در مورد عملکرد نهاد ناظر، می‌تواند تاثیر به‌سزایی در بهبود عملکرد آتی آن و